

یکی از شرکت کنندگان در جشنواره پریدن با دوچرخه به درون آب در روسیه، عکس از گاردین



ون بستنی فروش در ایرلند، عکس از گیتی ایمیچ

دنیانه روایت تصویر

در محضر بزرگان

هرچه کنی به خود کنی

حجت الاسلام رحبیر درباره تاثیر خوبی و بدی کردن بر خود انسان و سرنوشت اش نوشته اند: «شما در برابر آنچه اگر خندان باشی، چهره ای خندان می بینی و اگر گریان باشی، چهره ای گریان را تماشا خواهی کرد. این دنیا هم آینه وار است، از این رو شما همان می بینی که هستی و انجام می دهی. از هر دست که دادند، با همان دست گرفتند، این فرمولی است که قرآن کریم دارد یعنی اگر خوبی کنی، خوبی می بینی و اگر بدی کنی بدی می بینی.» منبع: سایت تبیان

فتو شعر



داستانک

وظیفه یک شوهر مهربان!

نیمه های شب بود که مرد از خواب پرید. چند لحظه ای روی تخت نشست و دید که زنت سرچایش نیست، فهمید که احتمالا دوباره همسرش دچار خواب دیدگی شده و توی خواب راه رفته و الان هم گوشه ای از خانه نشسته و دارد توی خواب حرف می زند! مرد کمی گوش داد و صدای زنت را که شنید از اتاق خواب خارج شد و او را توی آشپزخانه دید که در عالم خواب دارد با یک نفر حرف می زند. خواست طبق معمول بیدارش کند که یک مرتبه متوجه شد زنت دارد اشک می ریزد و انگار دارد با مادرش حرف می زند. «خوابید. از فردا عصر هم وقتی مرد به خانه می آید، با روی خوش و لبخند یک شاخه گل برای زنت می آورد. الان ۲۵ سال از اون روز می گذرد و مرد هر روز با نشاط یک شاخه گل می آورد و زن هم نگذاشته، شوهرش بفهمد که آن شب زن جوان با یک نمایش خواب به شوهرش آموخت که وظیفه یک مرد مهربان چیست.

بر گرفته از کتاب «من، منم؟!؛ گردآور «امیرضا آرمیون»

حکایت

امنیت مهم تر است یا سلامت؟!

دو حکیم درباره سلامت و امنیت بحث می کردند تا سخن آن ها به این جا رسید که سلامت بهتر است یا امنیت؟ گفت و گوی بسیار کردند تا آن که تصمیم گرفتند آن را بر روی دو گوسفند آزمایش کنند تا عملا به نتیجه برسند. دو گوسفند را آماده کردند که یکی بیمار بود و دیگری در سلامت کامل به سر می برد. هر کدام را در یک مکان جداگانه ای قرار دادند و در جلوی آن ها علف گذاشتند اما در برابر گوسفندی که از سلامت کامل برخوردار بود، گرگی را هم با افسار محکم بستند و رفتند. روز بعد که به گوسفندان سرکشی کردند، مشاهده کردند گوسفند بیمار قدری علف خورده است اما گوسفندی که سالم بود هیچ علف نخورده است و علت نخوردن علف، ناامنی از سوی گرگی بوده است که در برابر او بسته شده بود. آن ها از این آزمایش نتیجه گرفتند که امنیت بر سلامت مقدم است.

منبع: مجمع النورین، صفحه ۵۴۴

فتو نکته



عاقبت آمدن رایانه!

رایانه تا رسید مادر به اینترنت پیوست پدر به رحمت ایزدی... و بشام ما در بشقاب پشت بام خانه کپک زد! میل داشتی به آدرس من ایمیل بزنی  
www.w.c

اکبر اکسیر

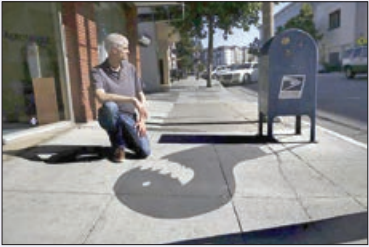
دور دنیا

قایقی گمشده در خشکی!



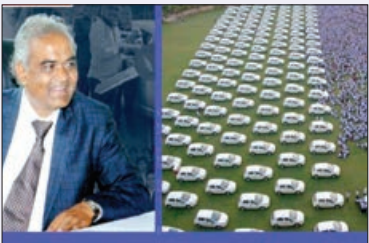
اسکای نیوز/ مقامات ساحل «بیرمنگام» در کشور انگلیس با گزارش عجیبی رو به رو شدند! یک قایق تفریحی بزرگ که مشخص بود سال ها در آب های دریا استفاده شده است، در یکی از کارگاه های مخروبه این شهر پیدا شد. تلاش برای پیدا کردن صاحب این قایق گمشده و دلیل گم شدن این وسیله غول پیکر در شبکه های اجتماعی آغاز شد تا بعد از یک هفته صاحبش اعلام کرد که سال ها پیش قایق را در دریا رها کرده و نمی داند چطور پایش به این کارگاه مخروبه باز شده است!

سایه های قلبایی!



او سایه میله های فلزی اطراف شهر را شبیه گل کشیده و از سطل اشغال ها سایه هایی به شکل هیولا نقاشی کرده است! واکنش و تعجب و گاهی ترسیدن مردم در دیدن این سایه ها، جالب و منحصر به فرد است.

هدیه حیرت انگیز یک تاجر به کارمندانش!



فردانیز/ یک تاجر ۵۵ ساله الماس هندی، ۴۰۰ خانه و ۱۲۶۰ خودرو به کارمندان و کارگزارانش هدیه داد! «ساوچی دلوکیا» بنیان گذار و رئیس یک شرکت تولید و صادرات الماس در هند است که درباره این هدایا که سر و صدای زیادی در رسانه ها و بین مردم ایجاد کرده است، گفته: «هدفم این است که تمام افرادی که زیر دست من کار می کنند یک خانه، یک خودرو و یک الماس داشته باشند!»

بریده ها

گاهی باید بگذاریم زندگی کارش را بکند

اولین قدم برای یاد گرفتن شنا، تنفسیدن از آب و رها شدن است. مربی همیشه می گوید: «بپر، خودتو رها کن، زیر آب چشمانتو باز کن، بعد خودت آرام آرام برمی گردی به سطح آب». شرط اول، همان دست و پا نزدن است. گاهی باید واقعا بی خیال شد و رفت گوشه ای نشست. باید بی خیال دست و پا نزدن شد. گاهی باید بگذاریم زندگی کارش را بکند. شاید بعدش آرام آرام برگشتیم به سطح آب ... به زندگی .... بی فکری.

بر گرفته از کتاب «توبوسی به نام هوس» اثر «تنسی ویلیامز»

مسابقه شماره ۱۸۳

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت



— ÷ × — ÷



( × ( × \*



\* × ÷ × ! ÷ (



«خونه ما گوشه دنج نداره، هر جا که پریز باشه قابلیت گوشه دنج شدن داره. بابام برگشته میگه کاش الان جای تو بودم، پدرم زنده بود یک جای دم می کردم و پاهاش می خوردم؛ پدرم بگو جای من خوام دیگه، پای اون مرحوم رو چرا می کنی وسط!»

«دیدي با بعضي‌ها حرف می‌زني، تا راحت می‌شن. يک هو ميگن پای! بایا بای یک battery پده اول!»

«به اندازه ای که دوست های من تو اینستا لایو میدن، صدا و سیما تو طول رو روز برنامه لایو نداره!»

«می‌خواستم برم سریازی تو دفترچه نوشته بودم، رنگ مو خرمایی. مسئول مون دید و گفت: «تو که موهاش مشکیه..» گفتم: «آره دیگه از این خرمای مشکي ها.» ۲ ماه اضافه خدمت همون اول خوردم!»

«دیگه تنها مریی که می‌تونه استقلال رو نجات بده، عموی سوپاساست!»

Like Comment

گزارش های يك مریخی

گزارش شماره ۹: زندگی بر اساس ژن

من یک مریخی هستم که به زمین آمده‌ام. ما آن جا سردمان بود و تصمیم گرفتیم وضعیت زمین و زمینی‌ها را برای سکونت بررسی کنیم. گزارش‌های دنباله دار من در این مأموریت را این جا می‌خوانید. دیشب داشتم می‌رفتم پشت بام، مریخ عزیزمان را تماشا کنم که توی آسانسور، آقای رانته زاده را دیدم. خودروی جدیدش را بهش تبریک گفتم. پرسید: «چه خبر مهندس؟» تا حالا کسی با این اسم صدایم نزده بود. بنابر این پشت سرم را نگاه کردم که توی آینه خودم را دیدم. مطمئن شدم که با من بوده. جواب دادم: «هیچی». این زمینی‌ها انگار نیمی از عمرشان را دنبال خبر هستند. بعضی‌هاشان بعد از «چه خبر؟» سوال بعدی‌شان این است که: «دیگه چه خبر؟». توی همین فکرها بودم که آقای رانته زاده گفت: «نیستی؟ تو آسمون‌ها دنبالت می‌گشتم... فکر کردم مریخی بودنم لو رفته. منتظر بودم هر چه زودتر برسیم تا فرار کنم که موقع پیاده شدن از آسانسور رانته زاده دستش را به هندزفری توی گوشش فشار داد و گفت: «صدامو داری؟ می‌گم تو آسمون‌ها دنبالت می‌گشتم...» برگشتنی داشتم از پشت بام می آمدم که آقای عنايت را توی آسانسور دیدم. داشت کیسه زباله‌اش را می برد دم در. تا مرا دید پرسید: «چه خبر؟» گفتم: «هیچی» بعد ساعتش را نگاه کرد و گفت: «دو دقیقه نسبت به هر شب دیرتر رسیدم». به قول بهنام، زندگی آقای عنايت کلا سناریویی یک پرگه ای است که از رویش بارها کپی زده‌اند. براین همه تفاوت زندگی این دو نفر جالب است. آقای عنايت یک عمر کارمند بوده هر روز راس ساعت ۷ صبح بیرون می‌رود و بعدازظهرها توی آژانس کار می کند و شبها آشغال‌ها را دم در می‌گذاردمی‌خواهد تا فردا صبح. بعد هنوز دارد قسط ماشین اش را می‌دهد اما آقای رانته زاده هر روز ارتقای شغلی می‌گیرد، ماشین جدید می‌خرد. حتی واحد خودش و واحد بغلی و بالایی‌اش را هم خریده‌و همین طور پیش برود همه واحدها را می‌خرد. تحقیق که کردم فهمیدم زمینی‌ها بر خلاف ما که همه از ژن مشترک یک موجود شش چشم و سه سر و هشت پا به وجود آمده‌ایم، ژن‌هایشان فرق دارد و خوب و بد دارد. ژن خوب‌ها یک عمر هر طور بخواهند زندگی می‌کنند و ژن ضعیف‌ها زندگی‌شان اساسا تکراری است. حال تصمیم دارم درباره ژن زمینی‌ها بیشتر تحقیق کنم و نتایج را در اختیار تان بگذارم.



همه تفاوت زندگی این دو نفر جالب است. آقای عنايت یک عمر کارمند بوده هر روز راس ساعت ۷ صبح بیرون می‌رود و بعدازظهرها توی آژانس کار می کند و شبها آشغال‌ها را دم در می‌گذاردمی‌خواهد تا فردا صبح. بعد هنوز دارد قسط ماشین اش را می‌دهد اما آقای رانته زاده هر روز ارتقای شغلی می‌گیرد، ماشین جدید می‌خرد. حتی واحد خودش و واحد بغلی و بالایی‌اش را هم خریده‌و همین طور پیش برود همه واحدها را می‌خرد. تحقیق که کردم فهمیدم زمینی‌ها بر خلاف ما که همه از ژن مشترک یک موجود شش چشم و سه سر و هشت پا به وجود آمده‌ایم، ژن‌هایشان فرق دارد و خوب و بد دارد. ژن خوب‌ها یک عمر هر طور بخواهند زندگی می‌کنند و ژن ضعیف‌ها زندگی‌شان اساسا تکراری است. حال تصمیم دارم درباره ژن زمینی‌ها بیشتر تحقیق کنم و نتایج را در اختیار تان بگذارم.

پایان گزارش نهم/محمد علی محمد پور

همیشه ساعت ۲۸:۰۰ بامداد!

سلام. چند پیامک بخونین یا جوابش: ۱۹۱...۰۹۱۵۹۰۰: خفن جان سلام. در جواب دوست خفن بازی که خواهان افزایش زمان مسابقه بودن: من قبلا پیشنهاد داده بودم پاسخ هر مسابقه رو توی خفن بعدی چاپ کنین تا هم دوستان زمان بیشتری داشته باشن و هم هیجان نداشتن جواب درست دوروزی بیشتر شه.

– و ما مخالف بودیم چون مردم چندروز از زندگی میتن تا جوابه چاپ بشه! \* ۰۹۱۵۷...۰۶۷۹: فکر کنم تا حالا دیگه کسی به این زودی جواب نفرستاده باشه! ساعت ۲ و ۲۰ دقیقه بامداد! ضمناً ناش روی هم ۲ سوت!

– اشتباه فکر کردین! پایین تر رو بخونین. \* ۰۹۳۵۹...۰۹۶۵: آقا نکنه ما چون ۱۲ شب از تواسایت حل می کنیم جزو مسابقه نیستیم؟! آره؟! چیزی بگید خیالم راحت شه تو رو خدا. جواد علی پور – همیشه حدود ۲۸:۰۰ بامداد جوابتون می رسه. شانس ندارین ظاهراً! فعلاً!

اعتراف می کنم



ایده و اجرا: صابری و مرادی

ماوشما

\* هیچی از پرونده موجودات عجیب نفهمیدم. الان این ها واقعی بودن یا نه؟ فقط یک توضیحی نوشتین که نگین چیزی نوشتیم! خوب نبود اصلا.

\* مطلب عجایب الموجودات! خیلی جالب بود. خیلی از سوال هایی که تو ذهنم بود، جوابش رو پیدا کردم. کاش به شیطان دریا هم اشاره می کردید که توی موزه حرمه.

\* هر چی از جوانمردی های تختی بگیم، کمه. خیلی کار خوبی کردین که یادی ازش کردین. طرح تون هم عالی بود.

\* اون دست هایی که تو صفحه بورس گذاشته بودید، خیلی شیک و مجلسی بودن. به طور قطع دست های زن خوب ها بودن. ما که از اون دست ها نداریم. دست های ما زمخت و بد شکل و کار کرده است.

\* از ستون بارداري که یک شنبه ها در صفحه سلامت چاپ میشه، ممنونم. خیلی به درد من می خوره.

\* خانم عباسی، ماه ۷ بارداری وقتی مطلب تختی رو خوندم، فقط یک چیز تو ذهنم موج می زد، چرا ما مثلش نیستیم؟

\* فکر کنم باید به بعضی از هواداران استقلال بگویم که آقای منصوریان که میگین که درد نخوره، همونیه که پارسال ایده هاش اروپایی بود. آهای استقلال ای ها، این همونه پس پشت حرف و سرمربی تیم خودتون واسیدین. اشکان محمودی \* در صفحه همشهری سلام نوشتید که هیچ فردی جرئت جوانمردی رو هیچ وقت درک نمی کنن! تو لیگ برتر یارو روی زمین می افته، داره از اش خون میره، تیم حریف توپ رو نمی زنه بیرون، بعدش تختی اون جوری. نمی فهمم!

\* کارشناس بورس در زندگی سلام شنبه از بورس کجا می گفت؟ حتما از بورس ایران نبود که یک شنبه ها با تصمیم دولتی سرمایه مردم خاکستر می شود.

\* زندگی سلام، سلام! سه سالگی ات مبارک. همیشه پر بار و پر انرژی هستی. دست اون هایی که تو رو به این جا رسوندن، درد نکنه و سلامت باشن.

\* از مسئولان مربوط به صفحه جوانه انتظار می رود به جای چاپ شعرهای بیمزه بعضی ها به چاپ دانستنی های جالب و داستان های زیبا بپردازند.

\* واقعا کار خیلی بدی کردین که در شماره قبلی زندگی سلام، یک سوپر استار رو کردین عروسک خیمه شب بازی خودتون!

\* از شعر مهزاد نبوی لذت بردم. بهشون تبریک میگم.

\* همسر عزیز و مهریونم. بابت ۱۸ سال زندگی مشترک، ایشار و جان فدایی در زندگی مون، ازت ممنونم و عاشقانه دوستت دارم.

\* یکی هست که جونش بره، نمی ذاره بهت سخت بگذره، بار و پر انرژی هستی. دست اون هایی که تو رو به این جا رسوندن، درد نکنه و سلامت باشن.

\* از مسئولان مربوط به صفحه جوانه انتظار می رود به جای چاپ شعرهای بیمزه بعضی ها به چاپ دانستنی های جالب و داستان های زیبا بپردازند.

\* واقعا کار خیلی بدی کردین که در شماره قبلی زندگی سلام، یک سوپر استار رو کردین عروسک خیمه شب بازی خودتون!

\* از شعر مهزاد نبوی لذت بردم. بهشون تبریک میگم.

\* همسر عزیز و مهریونم. بابت ۱۸ سال زندگی مشترک، ایشار و جان فدایی در زندگی مون، ازت ممنونم و عاشقانه دوستت دارم.

\* یکی هست که جونش بره، نمی ذاره بهت سخت بگذره، بار و پر انرژی هستی. دست اون هایی که تو رو به این جا رسوندن، درد نکنه و سلامت باشن.

